

پیش‌بینی شناخت اجتماعی بر اساس تمایزیافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در دانشجویان

تاریخ ارسال مقاله: 1401/06/25 تاریخ پذیرش نهایی: 1401/08/08

نواب کاظمی^{1*}، لیدا نعمتی²، سیده لیبا یادگاری³، فرزانه عبدوس⁴

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: شناخت اجتماعی، به فرآیند تشخیص، پردازش و استفاده از داده‌های اجتماعی برای نظم‌دهی عملکرد میان‌فردی و رفتار اثربخش اجتماعی می‌پردازد و از نظرگاه روان‌شناسی اجتماعی در روابط اجتماعی و کارآمد، دارای اهمیت به‌سزایی است. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی شناخت اجتماعی بر اساس تمایزیافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در دانشجویان انجام شد.

روش: طرح پژوهش حاضر همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه گیلان در سال تحصیلی 1400-1401 بود که از بین آنها 221 نفر نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه شناخت اجتماعی نجاتی، کمری و جعفری (1397)، تمایزیافتگی خود (دریک، 2011) و پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دنیس و واندراال (2010) گردآوری و با استفاده از نرم‌افزار SPSS-24 و روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان دادند که تمایزیافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، شناخت اجتماعی را با اطمینان پیش‌بینی می‌کند. نتایج ضریب رگرسیونی استاندارد شده نیز نشان داد که مؤلفه‌های تمایزیافتگی خود با 44/6 درصد از سهم پیش‌بینی‌کنندگی بیشتری در شناخت اجتماعی برخوردارند.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاضر اهمیت نقش تمایزیافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در دانشجویان را مشخص می‌سازد که می‌تواند در طراحی برنامه‌های مشاوره‌ای کارآمد باشد.

کلمات کلیدی: شناخت اجتماعی، تمایزیافتگی خود، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، دانشجویان.

1. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

* نویسنده مسئول: navab_us@yahoo.com

2. کارشناس ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، رودهن، ایران.

3. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، رودهن، ایران.

4. کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی سمنان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، سمنان، ایران.



Predicting social cognition based on self-differentiation and cognitive flexibility in students

Received: 2022/09/16 Accepted: 2022/10/30

Navab kazemi^{1*}, Lida nemati², Seydeh Liba yadegari³, Farzaneh abdous⁴

Original Article

Abstract

Introduction: Social cognition deals with the process of recognizing, processing, and using social data to regulate interpersonal performance and socially effective behavior. From the point of view of social psychology, it is very important in social and effective relationships. The present research was conducted with the aim of predicting social cognition based on self-differentiation and cognitive flexibility in students.

Method: The present research was conducted with the aim of predicting social cognition based on self-differentiation and cognitive flexibility in students. The study was conducted in the academic year 1401-1400. A sample of 221 students was selected using the multi-stage cluster sampling method. The research data were collected using Nejati, Kemari, and Jafari's social cognition (2017), self-differentiation (Drake, 2011), and Dennis and Vandrwal's cognitive flexibility questionnaire (2010). The SPSS version 24 was used for the regression and Multivariate analyses.

Finding: The results showed that self-differentiation and cognitive flexibility reliably predict social cognition. The results of the standardized regression coefficient also showed that the differentiation components have a greater predictive share (44.6%) in social cognition.

Results: The results of the present research show the importance of the role of self-differentiation and psychological flexibility in students, which can be effective in designing counseling programs.

Keywords: Social cognition, self-differentiation, psychological flexibility, students.

1. Ph.D. Student of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

* Corresponding Author: navab_us@yahoo.com

2. M.A in Counselling, Rudehen Branch, Islamic Azad University, Faculty of Education and Psychology, Rudehen, Iran.

3. M.A in clinical Psychology, Rudehen Branch, Islamic Azad University, Faculty of Education and Psychology, Rudehen, Iran.

4. M.A in clinical Psychology, Semnan Branch, Islamic Azad University, Faculty of Education and Psychology, Semnan, Iran.

مقدمه

شناخت اجتماعی¹، به فرآیند تشخیص، پردازش و استفاده از داده‌های اجتماعی برای نظم‌دهی عملکرد میان‌فردی و رفتار اثربخش اجتماعی می‌پردازد (هورتنگال و هافر²، 2014). همچنین شامل مؤلفه‌های مختلفی مانند بازشناسی احساسات، تشخیص حالات چهره‌ای، نظریه ذهن، قضاوت اخلاقی، همدلی، تصمیم‌گیری و آگاهی از بایدها و نبایدهای اجتماعی است (هاگر و همیلتون³، 2022). از نظرگاه روان‌شناسی اجتماعی، یک تبادل میان‌فردی اثربخش، به میزان درک افراد از آگاهی وافکار، احساسات و نوع ذهنیت دیگران مرتبط است. بنابراین شناخت اجتماعی یک اصطلاح چترمانند است که می‌تواند به دامنه گسترده‌ای از رفتارهای مرتبط با درک هیجان‌ها و وضعیت‌های ذهنی دیگران ارجاع داده شود.

خلاً موجود در زمینه شناخت اجتماعی موجب مختل شدن بسیاری از حوزه‌های دیگر نیز می‌شود. بنابراین نقص در آن می‌تواند موجب ایجاد چرخه‌ای معیوب شود که در اثر آن افراد با احتمال بسیار کمتری ارتباطات اجتماعی سازنده را تجربه می‌کنند؛ زیرا این افراد معمولاً در شناخت نیازهای درون‌فردی خودشان ضعف دارند و در تطابق این نیازها با اهداف زندگی خود و تبادل‌های اجتماعی نیز مشکل دارند (کوتور، گرانهولم و فیش⁴، 2011).

همچنین مطالعات متعدد نیز نشان داده است که فضیلت شناخت اجتماعی، با انواع پیامدهای مثبت بین‌فردی مانند محبوبیت اجتماعی (اسلاگتر، ایموتا، پترسون و هنری⁵، 2015)، رفتار جامعه‌پسند (ایموتا، هنری، اسلاگتر، سلوک و رافمن⁶، 2016)، شفقت به خود و خودآثرگذاری (تالوار، کاستلانوس و بوساکی⁷، 2022) مرتبط است. همچنین آموزش و دانستن مهارت‌های شناخت اجتماعی بر بهبود اضطراب اجتماعی افراد مؤثر است (آلوی، کومار و تاباک⁸، 2022؛ نوردال، آنیان، همدال و ولز⁹، 2022). با این تفاسیر، داشتن توانمندی شناخت اجتماعی به منظور درک افراد و تعامل میان‌فردی کارآمد ضروری به نظر می‌رسد.

از دیگر سو در سال‌های اخیر مطالعه و پژوهش در حوزه خود¹⁰ متخصصان حوزه‌های فلسفه، روان‌شناسی و حتی علوم اعصاب را به میدان کشانیده و موجب شده است که مفهوم «خود» که اساساً عنصری درون‌روانی است، نقطه مبدأ درمانگری و ارتقای سلامت روان در بافت فرهنگی و اجتماعی باشد. اساساً به لحاظ تاریخ‌شناختی نیز «خودشناسی» بنیان «دیگرشناسی» و «جهان‌شناسی» تلقی شده است. براین اساس، یکی از عواملی که می‌تواند در شکل‌گیری شناخت اجتماعی نقش داشته باشد، تمایز یافتگی خود است. مفهوم تمایز یافتگی که توانایی حفظ وحدت شخصی در رابطه است و در نظریه چندنسلی، ابتدا توسط موری بوئن¹¹ (1978) مطرح شد، به مرزبندی مشخص، انعطاف‌پذیری و استفاده از سازه‌های عقلانی دلالت دارد (هانگ و چان¹²، 2022). تمایز یافتگی دارای دو لایه متضاد بیولوژیک است: لایه درون‌فردی و لایه برون‌فردی. رویارویی و کشمکش این دو عنصر موجب اضطراب در فرد می‌شود. بنابراین لازم است فرد با شناخت لایه‌های درون‌فردی و برون‌فردی به تعادل لازم روانی-اجتماعی برسد. لایه درون‌فردی به معنای تفکیک سازه‌های عقلی از احساسی و لایه برون‌فردی به معنای توانایی تجربه خودمختاری با وجود صمیمیت و روابط بین‌فردی مؤثر است (بوئن، 1978). براین اساس، تمایز یافتگی دارای چهار مؤلفه مهم

1. Social Cognition
2. Hoertnagl & Hofer
3. Hagger & Hamilton
4. Couture, Granholm & Fish
5. Slaughter, Imuta, Peterson & Henry
6. Imuta, Henry, Slaughter, Selcuk & Ruffman
7. Talwar, Castellanos & Bosacki
8. Alvi, Kumar & Tabak
9. Nordahl, Anyan, Hjemdal & Wells
10. Self
11. Bowen
12. Hung & Chan

است: (1) واکنش هیجانی¹: تمایل شخص به ارائه پاسخ عاطفی خودکار به محرک‌های بیرونی که ممکن است به شکل بی‌تفاوتی یا حساسیت افراطی منعکس شود. این لایه نشانگر غلبه احساسات فرد بر عقل و منطق است. (2) جایگاه من²: توصیف آشکار از خود، ارزشمند دانستن باورهای شخصی و اعتقادات و حفظ آن در رویارویی‌های گروهی است. در این لایه فرد خودگویی‌هایی از این دست دارد: «این من هستم؛ این جهان‌بینی من است؛ این کاری است که من انجام خواهم داد». (3) گسلش عاطفی³: احساس تهدیدشدگی در روابط صمیمانه، ترس از صمیمیت و به دنبال آن آسیب‌پذیری افراطی در روابط نزدیک که با فاصله‌گیری از دیگران مشخص می‌شود. در این لایه فرد هرآن درصدد خروج از رابطه و عقب‌نشینی هیجانی است. (4) آمیختگی با دیگران⁴: درگیری هیجانی با «سایرین مهم» زندگی و هویت‌جویی افراطی با آنها. براساس نظریه بوئن، افرادی که دارای تمایز یافتگی بالا هستند، رفتار مستقلاً داشته و در روابط میان‌فردی خود کمتر واکنش‌های هیجانی بروز می‌دهند. آنها در حالی که با دیگران روابطی صمیمانه دارند، مرزهای هویتی خویش را حفظ می‌کنند و رفتار معطوف به هدف دارند. این گونه افراد توانایی منفک کردن تفکر و احساس را از هم دارند و با توجه به موقعیت‌ها آن را به کار می‌گیرند (بوئن، 1978). همچنین هویت این افراد نیز در روابط اجتماعی دستخوش تغییر نمی‌شود (گلندبرگ و گلندبرگ⁵، 2016). افراد دارای تمایز یافتگی خود از آمیخته شدن افراطی با دیگران یا بریدگی هیجانی به عنوان مکانیسم مشخصه اضطرابی، اجتناب کرده و خودمختاری، خودتنظیمی، خودکارآمدی و جایگاه من را به صورت منطقی حفظ کنند (داچ‌سبالوس، پیکه و اسکورون⁶، 2020). بین تمایز یافتگی خود بالا و بهزیستی روانی (اسکورون، استانی و شاپیرو⁷، 2009) و خویش‌داری در رفتارهای پرخطر دانشجویی (پورسعید، شریفی و اکرمی، 1401) نیز ارتباط مثبتی وجود دارد. همچنین بین تمایز یافتگی خود پایین و رفتارهای اجتنابی و بی‌اعتمادی اجتماعی (بارتلت هرینگ و گرگوری⁸، 2003)، واکنش‌پذیری هیجانی (میلر، اندرسون و کلز⁹، 2004) و امیدواری و ارتباط اجتماعی (ویلیامسون، سندیج و لی¹⁰، 2005) رابطه وجود دارد.

در همین راستا و در رابطه با تمایز یافتگی خود و شناخت اجتماعی، داچ سبالوس، پیکه و اسکورون (2020) در پژوهشی نشان دادند که تمایز یافتگی خود با خودتنظیمی (یکی از مؤلفه‌های شناخت اجتماعی) ارتباط دارد. همچنین در پژوهشی که در دوران پاندمی کووید-19 توسط رحیم زادگان و عطادخت (1399) انجام شد، نتایج نشان داد که تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، اضطراب کرونا را به صورت منفی پیش‌بینی می‌کنند. در بین دانشجویان نیز وجود شناخت اجتماعی و تمایز یافتگی خود ضروری به نظر می‌رسد؛ چراکه شناخت و آموزش رابطه تنگاتنگی باهم دارند و توانمندی‌های شناختی نقشی محوری در موفقیت تحصیلی دانشجویان ایفا می‌کند (نجاتی، کمری و جعفری، 1397). از دیگر سو، مطالعات متعدد مفهوم تمایز یافتگی خود را در بافت خانواده بررسی کرده‌اند و پژوهش‌های معدودی به تمایز یافتگی در جامعه دانشجویی (به عنوان دوران مهم ماقبل ازدواج) و ارتباط آن با شناخت اجتماعی پرداخته‌اند و با توجه به نقشی که تمایز یافتگی خود می‌تواند در کاهش اثرات ناشی از استرس‌های ویران‌گر تحصیلی و افزایش سازگاری دانشجویان داشته باشد (اسکورون، وستر و آزن¹¹، 2004) و باتوجه به قلمرو گسترده مطالعاتی این سازه در جهان (بهزیستی، سلامت روان، زوج‌درمانی، خانواده درمانی، حوزه تحصیلی و غیره) خلأ چنین مطالعه‌ای

1. Emotional Reactivity
2. I Position
3. Emotional Cutoff
4. Fusion With Other
5. Goldenberg & Goldenberg
6. Duch-Ceballos, Pece & Skowron
7. Skowron, Stanley & Shapiro
8. Bartle-Haring & Gregory
9. Miller, Anderson & Keals
10. Williamson, Sandage & Lee
11. Skowron, Wester&Azen

در کشور احساس و ضرورت انجام آن بیش از پیش، مهم به نظر می‌رسد. در پژوهش‌ها رابطه بین تمایز یافتگی با شایستگی اجتماعی دانشجویان (صفری و همکاران، 1401)، رابطه تمایز یافتگی با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان (سرداری و همکاران، 1395) و رابطه بین تمایز یافتگی فردی با هویت اجتماعی (سلگی، 1399) تأیید شده است.

از دیگر سو، یکی دیگر از عواملی که می‌تواند در شکل‌گیری شناخت اجتماعی نقش داشته باشد، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی¹ است که به صورت توانمندی افراد برای تغییر دادن شناخت‌هایشان در راستای سازگارشدهن با تغییرات محیطی تعریف می‌شود (دنيس و واندرال²، 2010؛ هون - هینسون، ویتنی و وان دونگن³، 2019). بنابراین توانایی تغییر آمیبه‌های شناختی⁴ به منظور سازگاری با محرک‌های در حال تغییر محیطی، عنصر اصلی در تعاریف عملیاتی انعطاف‌پذیری روان‌شناختی است (فناپی، زارع، رحمانیان و صفاری نیا، 1400). انعطاف‌پذیری روان‌شناختی نقش مهمی در در تعدیل روند شناخت برای روبروشدن با موقعیت‌های جدید و غیرقابل پیش‌بینی دارد. افرادی که تفکر انعطاف‌پذیر دارند، از توجیبهات جایگزین استفاده کرده و به صورت مثبت چارچوب فکری خود را بازسازی می‌کنند (برادران و رنجبر، 1400). بنابراین نقش بقاگونه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی جهت تطابق با محیط در حال رشد و دگرذیسی مشخص شده است (داربی، کاسترو، واسرمن و اسلوتسکی⁵، 2018). مارتین و اندرسون⁶ (2001) بیان می‌کنند، افراد با سطوح بالاتر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، به احتمال بیشتری از راهبردهای «جستجوی نزدیکی» بهره می‌گیرند که این مقوله در توسعه ارتباطات بین‌فردی و شناخت اجتماعی به آنها کمک می‌کند. پژوهش‌ها از نقش انعطاف‌پذیری شناختی در شناخت اجتماعی دانشجویان (برادران و رنجبر، 1400) حکایت دارند. نتایج مطالعات فیزیولوژیک کاپوراسو، بوسوسکی و مارکوویچ⁷ (2019) نیز نشان داد که هر سه مؤلفه عملکرد اجرایی - مهار پاسخ، حافظه کاری و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی - در رشد شایستگی اجتماعی کودکان نقش داشته‌اند. در فراتحلیل یانگ، هانگ، لیو و سو (2020) این سه مؤلفه کارکرد اجرایی ارتباط زیادی با مهارت همدلی شناختی داشته‌اند. از آنجایی که نظریه ذهن با شناخت اجتماعی مرتبط است و مستلزم نگهداری اطلاعات در حافظه کاری و ره‌گزینی بین دیدگاه‌های خود و دیگران است و باتوجه به اهمیت شناخت اجتماعی دانشجویان و اینکه تاکنون پژوهشی در ایران با موضوع پیش‌بینی شناخت اجتماعی در دانشجویان براساس تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی - در ترکیب این متغیرها باهم که به‌گونه‌ای بدیع، ترکیبی و سیستمی - اجتماعی، انجام نشده است و در این حوزه، خلأ مطالعاتی وجود دارد، این پژوهش به دنبال پیش‌بینی شناخت اجتماعی براساس تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در دانشجویان دانشگاه گیلان است.

روش

طرح این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه گیلان در سال تحصیلی 1400-1401 بود. گروه نمونه شامل 221 نفر (120 دختر و 101 پسر) بودند. به منظور انجام پژوهش اطلاع‌رسانی کامل به دانشجویان انجام و درباره اهداف پژوهش شفاف‌سازی شد. سپس با در نظر گرفتن معیارهای ورود به پژوهش (رضایت کامل دانشجویان و دانشجوی مقطع کارشناسی بودن) و با توجه به فرمول ارائه شده توسط فیدل و تاباکنیک، برای تعیین حجم نمونه (8 برابر تعداد متغیرهای پیش‌بین به علاوه 50 برای مطالعات همبستگی) تعداد نمونه مدنظر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای

1. Cognitive Flexibility
2. Dennis & Vanderwal
3. Honn, Hinson, Whitney & Van Dongen
4. Cognitive Sets
5. Darby, Castro, Wasserman & Sloutsky
6. Martin & Anderson
7. Caporaso, Boseovski & Marcovitch

چند مرحله‌ای انتخاب شدند. معیارهای خروج از پژوهش نیز، عدم همکاری دانشجو و مصرف داروهای روان‌پزشکی بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS-24 و روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره تجزیه و تحلیل شدند.

ابزارهای پژوهش

الف) پرسش‌نامه شناخت اجتماعی (شاد): این پرسش‌نامه توسط نجاتی، کمری و جعفری (1397) ساخته شده و دارای 19 گویه است که در یک طیف 5 درجه‌ای لیکرت، نمره‌گذاری می‌شود. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی به روش مولفه‌های اصلی همراه با چرخش واریماکس نشان دهنده وجود 4 مؤلفه بود: شناخت خود (درک حالات ذهنی خود و آگاهی از نقاط قوت و ضعف و نیز توانایی تشخیص علائق خود)، ذهن‌خوانی (توانایی درک حالات ذهنی دیگران و تشخیص فکر و اندیشه دیگران)، تشخیص تهدید آموزشی (شناسایی تهدیدهای آموزشی و ایجادکننده افت تحصیلی) و درک محیط آموزشی (آشنایی و شناخت داشتن نسبت به قوانین و مقررات آموزشی و آیین‌نامه‌های تحصیلی). ضریب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های فوق، به ترتیب 0/73، 0/72، 0/73 و 0/74 و نمره کل پرسش‌نامه 0/86 به دست آمد.

ب) پرسش‌نامه تمایز یافتگی خود: برای اندازه‌گیری تمایز یافتگی خود در پژوهش حاضر، از فرم کوتاه پرسش‌نامه تمایز یافتگی خود (دریک¹، 2011) استفاده شد. این پرسش‌نامه شامل 20 گویه است که با مقیاس لیکرت از «اصلاً شبیه خصوصیات من نیست» تا «کاملاً شبیه خصوصیات من است» درجه بندی شده و دارای چهار خرده مقیاس واکنش‌پذیری، جایگاه من، گسلس عاطفی و آمیختگی با دیگران است. برای نمره‌گذاری این مقیاس لازم است گویه‌های 2، 4، 5، 6، 7، 8، 9، 11، 13، 14، 15، 16، 17، 18 و 19 معکوس شود. بنابراین نمرات بالاتر در این پرسش‌نامه، نشان‌دهنده سطح تمایز بالاتر است. پایایی بازآزمایی پرسش‌نامه در تحقیق دریک (2011)، بین 0/72 تا 0/85 گزارش شد. ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در ایران توسط فخاری، لطیفیان و اعتماد (1392) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که چهار عامل پیشنهادی سازنده مقیاس در فرهنگ ایرانی احراز می‌شوند و روی هم رفته بیش از 52/04 از واریانس سازه موردنظر را تبیین می‌کنند. در خصوص پایایی، ضرایب آلفای کرونباخ برای عامل جایگاه من، 0/67، واکنش‌پذیری هیجانی 0/48، آمیختگی با دیگران 0/76 و گسلس عاطفی 0/73 گزارش شد.

ج) پرسش‌نامه انعطاف‌پذیری روان‌شناختی: این پرسش‌نامه توسط دنیس و واندرال (2010) برای اندازه‌گیری انعطاف‌پذیری روان‌شناختی جهت سنجش موفقیت در کشاکش جایگزینی افکار کارآمد با افکار ناکارآمد طراحی شده است. این ابزار دارای 20 گویه است که با استفاده از مقیاس هفت درجه‌ای لیکرت، از یک تا هفت نمره‌گذاری می‌شود. این مقیاس سه جنبه از انعطاف‌پذیری شناختی را می‌سنجد: (الف) میل به درک موقعیت‌های سخت به عنوان موقعیت‌های قابل کنترل؛ (ب) توانایی درک چندین توجیه جایگزین برای رویدادهای زندگی و رفتار انسان‌ها؛ (ج) توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین برای موقعیت‌های سخت. گویه‌های 2، 4، 7، 9، 11 و 17 به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمره کل از طریق مجموعه نمره گویه‌های پرسش‌نامه به دست می‌آید و نمره بالاتر به معنای انعطاف‌پذیری شناختی بیشتر است. دنیس و واندرال (2010) روایی هم‌گرای این ابزار را با مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی مارتین و رابین 0/75 و روایی واگرایی آن را با پرسش‌نامه افسردگی بک 0/39- و پایایی آن را با روش آلفای کرونباخ 0/91 و با روش بازآزمایی 0/81 گزارش کردند. در ایران سلطانی و همکاران (1392) ضریب بازآزمایی کل مقیاس را 0/71 و خرده مقیاس‌های ادراک کنترل، ادراک گزینه‌های مختلف و ادراک توجیه رفتار را به ترتیب،

1. Drake

0/55، 0/72 و 0/57 گزارش کرده‌اند. این پژوهشگران ضریب آلفای کرونیخ کل مقیاس را 0/90 و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب 0/87، 0/89 و 0/55 گزارش نموده‌اند. این مقیاس از روایی همگرا و همزمان مطلوبی نیز در ایران برخوردار است.

یافته‌ها

جدول 1. پیش‌بینی شناخت اجتماعی بر اساس تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در دانشجویان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	1	2	3	4	5	6	7	8	9
1 واکنش‌پذیری	14.95	2.506	1								
2 جایگاه من	16.42	3.123	**0/505	1							
3 گسلس عاطفی	14.90	3.275	**0/576	**0/452	1						
4 آمیختگی با دیگران	15.95	3.412	**0/174	**0/200	**0/309	1					
5 تمایز یافتگی خود	61.50	8.897	**0/738	**0/736	**0/808	**0/616	1				
6 میل به درک موقعیت‌های سخت	23.84	4.207	**0/527	**0/523	**0/562	**0/228	**0/627	1			
7 درک چندین توجیه جایگزین	25.04	2.718	**0/188	**0/212	**0/287	**0/302	**0/349	**0/287	1		
8 توانایی ایجاد چندین راه حل جایگزین	22.78	4.65	**0/518	**0/360	**0/657	**0/312	**0/634	**0/623	**0/324	1	
9 انعطاف‌پذیری شناختی	71.30	9.118	**0/553	**0/478	**0/670	**0/350	**0/705	**0/845	**0/591	**0/882	1
10 شناخت اجتماعی	58.60	4.907	**0/556	**0/462	**0/583	**0/303	**0/649	**0/512	**0/306	**0/491	**0/568

بر اساس نتایج به‌دست آمده از جدول 1 تمامی ضرایب همبستگی محاسبه‌شده بین تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری شناختی با شناخت اجتماعی در سطح آلفای 0/01 معنی‌دار بود ($p < 0/01$). نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که همبستگی بین تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری شناختی با شناخت اجتماعی مثبت می‌باشد. مثبت بودن ضرایب به‌دست آمده نشان می‌دهد که بین تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری شناختی با شناخت اجتماعی دانشجویان ارتباط مستقیم وجود دارد.

به منظور پیش‌بینی شناخت اجتماعی دانشجویان از طریق تمایز یافتگی خود، از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. برای بررسی استقلال باقیمانده‌ها از آماره دوربین-واتسون استفاده شد. با توجه به اینکه مقدار آن (1/787) در فاصله 1/5 تا 2/5 قرار دارد می‌توان گفت پیش فرض استقلال باقیمانده‌ها رعایت شد. برای بررسی وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین از شاخص‌های تحمل و عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد، که با توجه به نتایج به‌دست آمده انحرافی از مفروضه همخطی چندگانه مشاهده نشد.

جدول 2. تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی شناخت اجتماعی از طریق تمایز یافتگی خود

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		مقدار احتمال	R	مقدار R مجذور	مقدار F	مقدار احتمال
	B	خطای استاندارد	Beta	t					
ثابت	36/884	1/807		20/407	0/001	0/668	0/446	43/486	0/01
واکنش‌پذیری	0/535	0/129	0/273	4/156	0/001				
جایگاه من	0/245	0/095	0/156	2/579	0/011				
گسلس عاطفی	0/473	0/098	0/316	4/817	0/001				
آمیختگی با دیگران	0/182	0/077	0/126	2/368	0/019				

در جدول 2 مقدار F به‌دست آمده برای بررسی مدل رگرسیونی برابر با 43/486 بود که در سطح آلفای کوچکتر از 0/01 معنی‌دار بود، که نشان داد تمایز یافتگی خود می‌تواند تغییرات مربوط به شناخت اجتماعی را به خوبی تبیین کند و نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده بود. مقدار مجذور R برابر با 0/446 به دست آمد که نشان داد مولفه‌های تمایز یافتگی خود، 44/6 درصد از واریانس شناخت اجتماعی را تبیین می‌کنند. مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای مولفه واکنش‌پذیری ($\beta=0/273, p<0/01$)، جایگاه من ($\beta=0/156, p<0/05$)، گسلس عاطفی ($\beta=0/316, p<0/01$) و آمیختگی با دیگران ($\beta=0/126, p<0/05$) است. لذا نتیجه گرفته شد که تمایز یافتگی خود به شکل مثبت و معنی‌داری شناخت اجتماعی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند.

به منظور پیش‌بینی شناخت اجتماعی دانشجویان از طریق انعطاف‌پذیری شناختی، از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. برای بررسی استقلال باقیمانده‌ها از آماره دوربین-واتسون استفاده شد. با توجه به اینکه مقدار آن (1/782) در فاصله 1/5 تا 2/5 قرار دارد می‌توان گفت پیش فرض استقلال باقیمانده‌ها رعایت شد. برای بررسی وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین از شاخص‌های تحمل و عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد، که با توجه به نتایج به‌دست آمده انحرافی از مفروضه همخطی چندگانه مشاهده نشد.

جدول 3. تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی شناخت اجتماعی از طریق انعطاف‌پذیری شناختی

مقدار احتمال	مقدار F	مجذور R	R	مقدار احتمال	ضرایب استاندارد		خطای استاندارد	مدل	
					شده	ضرایب استاندارد نشده			
				t	Beta	B			
0/01	35/051	0/326	0/571	0/001	13/913		2/691	37/440	ثابت
				0/001	4/446	0/319	0/087	0/388	میل به درک موقعیت‌های سخت
				0/025	2/263	0/134	0/107	0/242	درک چندین توجیه جایگزین
				0/001	3/427	0/249	0/076	0/262	توانایی ایجاد چندین راه حل جایگزین

در جدول 3 مقدار F به‌دست آمده برای بررسی مدل رگرسیونی برابر با 35/051 بود که در سطح آلفای کوچکتر از 0/01 معنی‌دار بود، که نشان داد انعطاف‌پذیری شناختی می‌تواند تغییرات مربوط به شناخت اجتماعی را به خوبی تبیین کند و نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده بود. مقدار مجذور R برابر با 0/326 به دست آمد که نشان داد مولفه‌های انعطاف‌پذیری شناختی، 32/6 درصد از واریانس شناخت اجتماعی را تبیین می‌کنند. مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای مولفه میل به درک موقعیت‌های سخت ($\beta=0/319, p<0/01$)، درک چندین توجیه جایگزین ($\beta=0/134, p<0/05$) و توانایی ایجاد چندین راه حل جایگزین ($\beta=0/249, p<0/01$) است. لذا نتیجه گرفته شد که انعطاف‌پذیری شناختی به شکل مثبت و معنی‌داری شناخت اجتماعی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند.

به منظور پیش‌بینی شناخت اجتماعی دانشجویان از طریق تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری شناختی، از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شد. برای بررسی استقلال باقی مانده‌ها از آماره دوربین و واتسون استفاده شد. با توجه به اینکه مقدار آن (1/810) در فاصله 1/5 تا 2/5 قرار دارد می‌توان گفت پیش فرض استقلال باقی مانده‌ها رعایت شد. برای بررسی وجود همخطی چندگانه

بین متغیرهای پیش‌بین از شاخص‌های تحمل و عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد، که با توجه به نتایج به‌دست آمده انحرافی از مفروضه هم‌خطی چندگانه مشاهده نشد.

جدول 4. تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی شناخت اجتماعی از طریق تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری شناختی

مدل	B	خطای استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده	Beta	t	احتمال	مقدار	مقدار		
								R	مجذور R	F
ثابت	36.884	1.807			20.407	0.001	0.682	0.465	26.482	0.01
واکنش‌پذیری	0.535	0.129	0.273	0.273	4.156	0.001				
جایگاه من	0.245	0.095	0.156	0.156	2.579	0.011				
گسلش عاطفی	0.473	0.098	0.316	0.316	4.817	0.001				
آمیختگی با دیگران	0.182	0.077	0.126	0.126	2.368	0.019				
میل به درک موقعیت‌های سخت	0.338	0.087	0.139	0.139	4.446	0.001				
درک چندین توجیه جایگزین	0.242	0.107	0.134	0.134	2.263	0.025				
توانایی ایجاد چندین راه حل جایگزین	0.262	0.076	0.249	0.249	3.427	0.001				

در جدول 4. مقدار F به‌دست آمده برای بررسی مدل رگرسیونی برابر با 26/482 بود که در سطح آلفای کوچکتر از 0/01 معنی‌دار بود، که نشان داد تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری شناختی می‌توانند تغییرات مربوط به شناخت اجتماعی را به خوبی تبیین کند و نشان دهنده مناسب بودن مدل رگرسیونی ارائه شده بود. مقدار مجذور R برابر با 0/465 به دست آمد که نشان داد مولفه‌های تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری شناختی، 46/5 درصد از واریانس شناخت اجتماعی را تبیین می‌کنند. مقدار ضریب رگرسیونی استاندارد شده (Beta) برای مولفه واکنش‌پذیری ($\beta=0/273, p<0/01$)، جایگاه من ($\beta=0/156, p<0/05$)، گسلش عاطفی ($\beta=0/316, p<0/01$)، آمیختگی با دیگران ($\beta=0/126, p<0/05$)، میل به درک موقعیت‌های سخت ($p<0/01$)، درک چندین توجیه جایگزین ($\beta=0/134, p<0/05$) و توانایی ایجاد چندین راه‌حل جایگزین ($\beta=0/249, p<0/01$) است. لذا نتیجه گرفته شد که تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری شناختی به شکل مثبت و معنی‌داری شناخت اجتماعی دانشجویان را پیش‌بینی می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه حاضر پیش‌بینی شناخت اجتماعی بر اساس تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در دانشجویان بود که نتایج به‌دست آمده نشان داد همبستگی بین تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با شناخت اجتماعی مثبت بوده است. مثبت بودن ضرایب به‌دست آمده نشان می‌دهد که بین تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی با شناخت اجتماعی دانشجویان ارتباط مستقیم وجود دارد. در تبیین نتایج فرضیه اول که پیش‌بینی شناخت اجتماعی بر اساس تمایز یافتگی خود است و با نتایج مطالعات اسکورون، استانلی و شاپیرو (2009)؛ پورسعید، شریفی و اکرمی (1401)؛ بارتلت هرینگ و گرگوری (2003) و داچ سبالوس، پیکه و اسکورون (2020) هم‌سو است می‌توان گفت که تمایز یافتگی خود به مرزبندی مشخص، انعطاف‌پذیری و استفاده از سازه‌های عقلانی دلالت دارد (هانگ و چان، 2022) و دارای دو لایه متضاد بیولوژیک است: لایه درون‌فردی و لایه برون‌فردی؛ رویارویی و کشمکش این دو عنصر موجب اضطراب در فرد می‌شود. بنابراین لازم است فرد با شناخت لایه‌های درون‌فردی و برون‌فردی به تعادل لازم روانی - اجتماعی برسد. بر همین اساس، به باور بوئن (1978)، تمایز یافتگی خود به توانایی

فرد برای باقی ماندن در ارتباط با دیگری، در عین حفظ ادراک خود است. به عبارتی یعنی توانایی حفظ استقلال در عین حفظ ارتباط با دیگران. بنابراین تمایز یافتگی خود فرآیندی است که اگر آن را به صورت پیوستاری تصور کنیم در یک قطب آن خودمختاری و در قطب دیگر آن امتزاج است. خودمختاری نشان‌دهنده توانایی تفکر شفاف و روشن در خلال یک موقعیت است و همجوشی بدین معناست که این افراد به لحاظ عاطفی به خانواده مبدأ وابسته هستند، حتی اگر دور از آنها زندگی کنند (بخشایی و آزادی، 1399). البته همان گونه که اشاره کردیم این تمایز یافتگی خود به صورت طیف و پیوستار در نظر گرفته می‌شود و گویی از جایی به بعد، نه خودمختاری محض و نه امتزاج محض کاربستی ندارد؛ به ویژه در جامعه دانشجویی که هدف مطالعه حاضر است و تئوری بوئن عمدتاً در حال و هوای فاصله‌های روانی - اجتماعی بین اجزای سیستم سیر می‌کند. در جوامع دانشجویی نیز تنهایی، حس مسلط در غالب دانشجویان است که این مقوله فقط به معنای صرف نبودن در جمع یا تنها بودن فیزیکی نیست؛ بلکه روابط اجتماعی تجربه شده و سطح پایین رضایت اجتماعی که عمدتاً ناشی از شناخت اجتماعی ضعیف است، می‌تواند پایه احساس تنهایی و مشکلات روان‌شناختی شود (پورمحسنیان، جعفری، صنوبر، 1399). بنابراین، افراد با تمایز یافتگی بالا به هیجان خود واقفند و قادر به سنجش متفکرانه موقعیت‌ها هستند و توانایی رشد شخصی را به صورت مستقلانه دارند. این مهم ابتدا در بافت خانواده ایجاد و تجارب آن در دوران مدرسه، دانشگاه و پسادانشگاه استمرار می‌یابد. بنابراین، دور از انتظار نیست که شناخت اجتماعی دانشجویان براساس تمایز یافتگی بالا در آنان پیش‌بینی شود. علاوه بر تبیین‌های تشریح شده، دانشجویانی که از تراز مناسب تمایز یافتگی بهره‌مند هستند، خود-تعیین‌گرند و به احساسات و افکار خود واقف هستند. این در حالی است که افراد تمایز نایافته از لحاظ هیجانی به دیگران وابسته‌اند، به‌سختی برای خود فکر، احساس و عمل می‌کنند و در شناخت اجتماعی دچار مشکلاتی هستند.

از دیگر سو، نتایج دیگر پژوهش نشان داد که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی می‌تواند شناخت اجتماعی دانشجویان را پیش‌بینی کند که این یافته، با نتایج مطالعات کاپوراسو و همکاران (2019)، یانگ و همکاران (2020) و برادران و رنجبر (1400) همسو است. پیش‌تر افرادی که علی‌رغم فشار روانی بالا دارای توانمندی هیجانی، خلاقیت بالا و سازگاری اجتماعی مستحکم می‌ماندند، کودکان آسیب‌ناپذیر یا شکست‌ناپذیر تلقی می‌شدند، اما بعدها اصطلاح آسیب‌ناپذیر به انعطاف‌پذیر تغییر یافت؛ زیرا آسیب‌ناپذیر بودن به اجتناب از خطر به طور قاطعانه و بدون تغییر اشاره دارد در صورتی که انعطاف‌پذیری یک فرآیند تحولی و پویای روانی - اجتماعی است. نظریه‌های اولیه در انعطاف‌پذیری بیشتر بر فهم ویژگی‌های افراد انعطاف‌پذیر متمرکز بود که به واسطه آن افراد می‌توانستند در مواجهه با شرایط ناگوار به سازگاری و پیامدهای مثبت دست یابند. اما نظریات جدیدتر به انعطاف‌پذیری روان‌شناختی به عنوان ساختاری چندبعدی نگاه می‌کنند که شامل متغیرهای بنیادین مانند شخصیت، حل مسأله و مؤلفه‌های اجتماعی می‌شود. بنابراین اگرچه موج اول مطالعات در زمینه انعطاف‌پذیری بیشتر بر فهم ویژگی‌های افراد انعطاف‌پذیر متمرکز بود اما موج دوم بر فهم فرآیندهایی تمرکز داشت که از طریق آن افراد می‌توانستند به‌طور موفقیت آمیزی با مسائل اجتماعی سازگار شوند (کیم، 2007). در تبیین یافته‌های مربوط به پیش‌بینی شناخت اجتماعی بر اساس انعطاف‌پذیری روان‌شناختی می‌توان گفت که انعطاف‌پذیری روان‌شناختی به عنوان توانایی انطباق کارآمد با تغییرات درونی و بیرونی تعریف می‌شود، زیرا محیط روان‌شناختی و فیزیکی، نیازهای درون‌روانی و اجتماعی دائماً در حال تغییرند و از منظر تکاملی نیز، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی عامل مهم بقا و سازگاری محسوب می‌شود. بنابراین انعطاف‌پذیری روان‌شناختی موجب انطباق فرد با تغییرات موقعیتی، شکل‌دهی مجدد منابع ذهنی، تغییر چشم‌انداز و برقراری تعادل در رقابت بین خواسته‌ها، نیازها و شرایط زندگی می‌شود (پاکنهام و همکاران، 2020).

ازسویی، دانشجویان دارای انعطاف‌پذیری روان‌شناختی، مجموعه‌ای از مهارت‌ها را برای مواجهه با مشکلات ناشی از بحران‌های گوناگون (عمدتاً دوری از خانواده) از طریق گشودگی و پذیرش ارائه می‌دهند تا فرد، در انطباق با مشکل، با دارا بودن

انعطاف بالا، به اصطلاح «خم شود؛ اما نشکند». بنابراین افرادی که ذهن‌شان به راحتی بین موقعیت‌های مختلف سوئیچ می‌کند، انعطاف‌پذیری روان‌شناختی بالایی دارند که همین تغییر آمایه‌ها در شناخت اجتماعی افراد مؤثر است. از سویی، یکی از اجزای مجموعه توانایی‌های سطح بالای شناختی - اجتماعی، عملکرد اجرایی است که با عملکرد قطعه پیشانی در خودتنظیمی، بازداری، کنترل و هدایت هیجانات، توجه انتخابی، توجه اجتماعی و شناخت اجتماعی مرتبط است (گارون و باریسون، 2018). افرادی که از نظر شناختی منعطف هستند، خودشان را جاه‌طلب معقول، مسئول، بادقت، آگاه و اجتماعی می‌پندارند و خودپنداره و توانایی خودمشاهده‌گری بهتری نسبت به افراد با انعطاف‌پذیری روان‌شناختی کمتر دارند. مارتین و اندرسون (2001) نیز بیان می‌کنند که افراد با سطوح بالاتر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی به احتمال بیشتری از راهبردهای جستجو و نزدیکی اجتماعی بهره می‌گیرند که این خود موجب توسعه روابط بین‌فردی و شناخت اجتماعی می‌شود.

نتایج نشان داد که 46/5 درصد شناخت اجتماعی توسط تمایز یافتگی و انعطاف‌پذیری شناختی تبیین می‌شود. یافته به دست آمده با نتایج مطالعات پیشین در این زمینه (صفری، وهمکاران، 1401؛ سرداری و همکاران، 1395؛ سلگی، 1399؛ برادران و رنجبر، 1400؛ کاپوراسو و همکاران، 2019؛ یان و همکاران، 2020) همسو است. در تبیین یافته فوق می‌توان گفت تمایز یافتگی به توانایی احساس خود-تفکیکی در فرد اشاره دارد به این معنا که وی توانایی تشخیص بین فکر و هیجان را در موقعیت‌های تصمیم‌گیری دارد و بر اساس دلایل منطقی با عواطف شناخته شده خود انتخاب می‌کند نه بر اساس واکنش هیجانی، لذا هرچه فرد از تمایز یافتگی بیشتری برخوردار باشد بیشتر می‌تواند در روابط بین فردی خود به تفکیک عوامل عاطفی و منطقی از یکدیگر بپردازد و در مورد نیازهای فردی و بین فردی کارکرد بهتری داشته باشد چنین فردی با حفظ انعطاف‌پذیری عاقلانه عمل می‌کند و دارای توازن و تعادل میان احساسات و شناخت است، در زمان مواجهه با فشارهای محیطی واقع بین باقی می‌ماند و ضمن درک درست احساسات منطقی رفتار می‌کند و به‌طور غیرارادی تحت کنترل هیجان‌ها رفتار نمی‌کند (گودرزی، 1398). از سویی می‌تواند گفت شناخت اجتماعی توانایی و امکاناتی را برای فرد فراهم می‌کند که خود را بهتر شناخته و با دنیای خویش و دیگران ارتباط برقرار کند و تصمیماتی سازنده را در این زمینه بگیرد. مثلاً آشر و پاچارس¹ (2006) معتقدند وقتی افراد می‌خواهند باورهای خود را شکل دهند، به نظرات دیگران بیشتر توجه می‌کنند، بر این مبنا شناخت اجتماعی موجب انسجام در اهداف و نگرش‌ها شده و بستری را فراهم می‌کند تا فرد به تحلیل محیط آموزشی پرداخته و در آن دخل و تصرف نماید حال چنانچه تعامل وی با محیط همراه با شناخت اطمینان و کنترل بیشتری باشد رفتارهای او نیز در برخورد با رویدادهای تحصیلی به مراتب منطقی‌تر و پخته‌تر خواهد بود.

در مجموع با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان چنین اظهار داشت که شناخت اجتماعی دانشجویان براساس تمایز یافتگی خود و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی در آنان قابل پیش‌بینی است. البته این پژوهش نیز مانند سایر مطالعات دارای محدودیت‌هایی بود که عبارتند از: عدم استفاده از روش نمونه‌گیری کاملاً تصادفی، اکتفا بر جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه‌ای و ضعف روش‌های خودسنجی. در حیطه پژوهشی پیشنهاد می‌شود که در مطالعات آینده محدودیت‌های مطالعه حاضر پوشش داده شود همچنین در حیطه کاربردی پیشنهاد می‌شود که درمانگران جهت بهبود شناخت اجتماعی در دانش‌آموزان به اهمیت تمایز یافتگی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی توجه داشته باشند و از مداخلات درمانی و آموزشی متناسب با این عوامل استفاده کنند. هم چنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی برای اندازه‌گیری و جمع‌آوری داده‌های پژوهش علاوه بر پرسش‌نامه از مصاحبه‌های ساختاریافته و نیمه‌ساختاریافته استفاده شود. علاوه بر این موارد انجام پژوهش‌هایی با حجم نمونه بزرگ و اجرایی کردن در بافت‌ها، قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلف با دارا بودن شرایط اجتماعی متنوع در قالب کلان‌سیستم پیشنهاد می‌گردد.

1. Usher & Pajares

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از تمامی کسانی که ما را در این مطالعه حمایت کردند (به ویژه شرکت‌کنندگان در این پژوهش و اعتمادشان) کمال تشکر و امتنان به عمل می‌آید.

منابع

- برادران، مجید و رنجبر، فرزانه (1400). نقش انعطاف‌پذیری شناختی و سبک‌های دلبستگی در شناخت اجتماعی دانشجویان. *شناخت اجتماعی*، 10 (1)، 135-148.
- بخشایی، محبوبه و آزادی، مهران (1399). نقش واسطه‌ای تعارض والد-فرزند در ارتباط تمایز یافتگی خود با اضطراب اجتماعی. *خانواده درمانی کاربردی*، 1 (2)، 86-104.
- پورسعید اصفهانی، مهرنوش؛ شریفی، حمیده و اکرم، ناهید (1400). پیش‌بینی رفتار پرخطر بر اساس تمایز یافتگی خود و مشکلات بین فردی در دانشجویان دختر. *رویش روان‌شناسی*، 10 (3)، 55-64.
- پورمحسنی کلوری، فرشته؛ جعفریان، سمیرا؛ جعفری، عیسی و صنوبر، لاله (1399). بررسی نقش ویژگی‌های شخصیتی و تنهایی در پیش‌بینی نوموفوبیا. *پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، 11 (3)، 69-82.
- سلطانی، اسماعیل؛ شاره، حسین؛ بحرینیان، سیدعبدالمجید و فرمانی، اعظم (1392). نقش واسطه‌ای انعطاف‌پذیری شناختی در ارتباط بین سبک‌های مقابله‌ای و تاب‌آوری با فاسردگی. *پژوهنده*، 2 (18)، 88-96.
- سرداری، آزاده؛ مومنی، خدامراد و محمدزاده، سروه (1395). رابطه تفکر انتقادی، تمایز یافتگی و ترس از ارزیابی منفی با سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان. *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، 6 (22)، 1-12.
- سلگی، محمد (1399). مطالعه رابطه بین ابعاد هویت اجتماعی با میزان تمایز یافتگی فردی، *مجله روان‌شناسی و روانپزشکی شناخت*، 7 (3)، 101-111.
- فنایی، سعبه؛ زارع، حسین؛ رحمانیان، مهدیه و صفاری‌نیا، مجید (1400). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر انعطاف‌پذیری شناختی، استرس ادراک شده، کیفیت زندگی، تبعیت از درمان و شاخص‌های زیستی (A1C) در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو. *شناخت اجتماعی*، 2 (10)، 77-98.
- صفری، معصومه؛ رضاخانی، سیمین دخت و دو کانه‌ای فرد، فریده (1401). نقش واسطه‌ای بخشودگی بین فردی در رابطه بین تمایز یافتگی و شایستگی اجتماعی دانشجویان. *رویش روان‌شناسی*، 11 (3)، 59-68.
- فخاری، نرگس؛ لطیفیان، مرتضی و اعتماد، جلیل (1392). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه پرسش‌نامه تمایز یافتگی خود در دانشجویان ایرانی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، 15 (4)، 35-58.
- نجاتی، وحید؛ کمری، سامان و جعفری، صدیقه (1397). ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه شناخت اجتماعی دانشجویان (شاد). *شناخت اجتماعی*، 7 (2)، 123-144.
- Alvi, T., Kumar, D., & Tabak, B.A. (2022). Social anxiety and behavioral assessments of social cognition: A systematic review. *Journal of Affective Disorders*, 311, 17-30.
- Bartle-Haring, S., & Gregory, P. (2003). Relationship Between Differentiation of Self and the Stress and Distress Associated With Predictive Cancer Genetic Counseling and Testing: Preliminary Evidence. *Families, Systems, & Health*, 21 (4), 357 – 381.
- Bowen. M. (1978). *Family Systems Theory and Practice*. Illustration and Critique. *J Fam Ther.*
- Caporaso, J. S., Boseovski, J. J. & Marcovitch, S. (2019). The individual contributions of three executive function components to preschool social competence. *Infant and Child Development*, 28 (4), 1-17.
- Caporaso, J. S., Boseovski, J. J. & Marcovitch, S. (2019). The individual contributions of three executive function components to preschool social competence. *Infant and Child Development*, 28 (4), 1-17.

- Couture, S. M., Granholm, E. L., & Fish, S. C. (2011). A path model investigation of neurocognition, theory of mind, social competence, negative symptoms and real-world functioning in schizophrenia. *Schizophrenia research*, 125 (2), 152-160.
- Darby, K. P., Castro, L., Wasserman, E. A., & Sloutsky, V. M. (2018). Cognitive flexibility and memory in pigeons, human children, and adults. *Cognition*, 177, 30-40.
- Dennis, J. P., & VanderWal, J. S. (2010). The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive Therapy Research*, 34 (3), 241- 53.
- Drake, J. R. (2011). Differentiation of Self Inventory –Short Form: Creation & Initial Evidence of Construct Validity. Doctoral Thesis. University of Missouri-Kansas City.
- Duch-Ceballos, C., Pece, P.C., & Skowron, E (2020). Differentiation of Self and Its Relationship with Emotional Self-Regulation and Anxiety in a Spanish Sample. *The American Journal of Family Therapy*, 49 (5). 272-289.
- Fidell L.S, Tabachnick B.G. (2003). *Preparatory data analysis*. Handbook of psychology. Apr 15: 115- 41.
- Forster, K., Jorgens, S., Air, T. M., Bürger, C., Enneking, V. & Redlich, R. (2018). The relationship between social cognition and executive function in Major Depressive Disorder in high functioning adolescents and young adults. *Psychiatry Research*, 263, 139- 146.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2016). Family therapy: An overview. Cengage learning .
- Garon, N., Bryson, S. E., & Smith, I. M. (2018). Executive function in preschoolers: A review using an integrative framework. *Psychological Bulletin*, 134 (1), 31-60.
- Honn, K. A., Hinson, J. M., Whitney, P., & Van Dongen, H. P. A. (2019). Cognitive flexibility: A distinct element of performance impairment due to sleep deprivation. *Accident Analysis & Prevention*, 126, 191-197.
- Hung, F. N., & Chan, R. C. H. (2022). Differentiation of self, proximal minority stress, and life satisfaction among sexual minorities: Intrapersonal and interpersonal pathways to life satisfaction. *American Journal of Orthopsychiatry*, 122, 201-220.
- Hoertnagl, C. M., & Hofer, A. (2014). Social cognition in serious mental illness. *Current opinion in psychiatry*, 27 (3), 197 - 202.
- Hagger, M. S., Hamilton, K. Social cognition theories and behavior change in COVID-19: (A conceptual review). *Behaviour Research and Therapy*. 154: 104095, 2022 07.
- Imuta, K., Henry, J. D., Slaughter, V., Selcuk, B. & Ruffman, T. (2016). Theory of mind and prosocial behavior in childhood: a meta-analytic review. *Developmental Psychology*, 52 (8), 1192-1205.
- Jacques, S & Zelazo, P.D (2019). "Language and the development of cognitive flexibility: implications for theory of mind," in Why Language Matters for Theory of Mind. *Oxford University Press*. 12 (4), 144–162.
- Kim-Cohen, j. (2007). Resilience and Developmental Psychopathology. *Child and adolescent psychiatric clinics of North America*, 16 (2), 271–283.
- Martin, M. M., & Anderson, C. M. (2001). The relationship between cognitive flexibility and affinity-seeking strategies. *Advances in Psychological Research*, 4, 69–76
- Nordahl, H., Anyan, F., Hjemdal, O., & Wells, A. (2022). Metacognition, cognition and social anxiety: A test of temporal and reciprocal relationships. *Journal of Anxiety Disorders*, Volume 86, March 2022, 102516.
- Martin, M. M., & Anderson, C. M. (2001). The relationship between cognitive flexibility and affinity-seeking strategies. *Advances in Psychological Research*, 4, 69–76.
- Miller, R. B., Anderson, S., & Keals, D. K. (2004). Is Bowen theory valid? A review of basic research. *Journal of marital and family therapy*, 30 (4), 453 -466.
- Pakenham, K. I., Landi, G., Boccolini, G., Furlani, A., Grandi, S., & Tossani, E. (2020). The moderating roles of psychological flexibility and inflexibility on the mental health impacts of COVID-19 pandemic and lockdown in Italy. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 17, 109-118.

- Skowron, E. A., Stanley, K. L., & Shapiro, M. D. (2009). A longitudinal perspective on differentiation of self, interpersonal and psychological well-being in young adulthood. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 31 (1), 3–18.
- Skowron, E. A., Wester, S.R., & Azen, R. (2004). Differentiation of self mediates college stress and adjustment. *Journal of Counseling and Development*, 82, 69–78.
- Slaughter, V., Imuta, K., Peterson, C. C. & Henry, J. D. (2015). Meta-analysis of theory of mind and peer popularity in the preschool and early school years. *Child Development*, 86 (4), 1159-1174.
- Talwar, A., Castellanos, M., & Bosacki, S. (2022). Self-compassion, social cognition, and self-affect in adolescence: A longitudinal study. *self and identity*, 17 (4). 1-19.
- Usher, E. L. & Pajares, F. (2006). Sources of academic and self – regulatory efficacy beliefs of entering middle school students. *Contemporary Educational Psychology*, 31 (2), 41-64
- Williamson, I., Sandage, S. J., & Lee, R. M. (2007). How social connectedness affects guilt and shame: Mediation by hope and differentiation of self. *Personality & Individual Differences*, 43 (8), 2159-2170.
- Yan, Z. Hong, S. Liu, F. & Su, Y. (2020). A meta-analysis of the relationship between empathy and executive function. *PsyCh journal*, 9 (1), 34-43.